

کد خبر: ۲۳۱۷۳۹

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸



«اعتماد» در گفت‌وگو با ۲ تحلیلگر مواضع اخیر مقامات امریکایی را بررسی می‌کند

## تناقض کلامی امریکایی‌ها

مهدی بیک‌اوغلی

**ترامپ یک چیز می‌گوید، ویتکاف چیزی دیگر و دیگرانی هم هستند که چیزهای دیگری می‌گویند**

**اسماعیل گرامی مقدم: ایران درباره حق غنی‌سازی خود مذاکره نمی‌کند  
ساسان کریمی: ویتکاف خواستار مماشات بیشتر با ایران اما تندروهای آمریکایی خواستار فشار بیشتر هستند**

سرعت تحولات در مناسبات ارتباطی و مذاکراتی میان ایران و امریکا به اندازه‌ای بالا رفته که گاهی اوقات مخاطبان نیز از رخدادها جا می‌مانند. در آخرین دست از تحولات ۲ رخداد مهم در مسیر این پرونده شکل گرفت و بازخوردهای بسیاری هم پیدا کرد، نخست ویتکاف پس از نشستی بلندپایه با ترامپ و سایر مقامات امریکایی در کاخ سفید توییتی منتشر کرد و گفت: «تهران باید برنامه غنی‌سازی خود را نابود کند؟» این موضع دقیقا در نقطه مخالف تمام صحبت‌هایی بود که عراقچی-ویتکاف در دور نخست مذاکرات داشتند. عراقچی تلاش کرده موضع میانه‌ای اتخاذ کند و از دمیدن بر آتش مشکلات دوری کند. او مواضع افراد را در بطن مذاکرات دارای اهمیت دانست نه صحبت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی را!

البته از قبل هم قابل پیش‌بینی بود که همزمان با آغاز گفت‌وگوها با هدف دستیابی به توافق میان ایران و امریکا، کانون‌های مخالف توافق دست به کار شده و از هر اقدامی برای به بن بست کشاندن گفت‌وگوها استفاده کنند. آن دسته از افراد و تحلیلگرانی که تصور می‌کردند، دو کشور پشت یک میز نشسته، به توافقی پایدار دست پیدا کرده، مخالفان توافق و جنگ‌افروزان هم دست روی دست گذاشته و این توافق را نظاره می‌کنند، سخت در اشتباهند و درک روشنی از دیوار بلند بی‌اعتمادی میان دو کشور ندارند. دیوار بلندی که طی بیش از ۴۶ سال گذشته به اندازه‌ای بالا رفته و قطور شده که فروریزی آن به عزم راسخ دو کشور و عوامل بسیاری دیگری نیاز دارد.

دیروز اما گروسی نیز راهی ایران شد و رسماً اعلام کرد که هر گونه توافقی میان ایران و آمریکا تنها در صورتی اجرایی خواهد شد که تاییدیه آژانس را داشته باشد. اعتماد در این میان سراغ تحلیلگران و فعالان سیاسی رفته تا از آنان درباره این مواضع متناقض مقامات آمریکایی طرح پرسش کند.

### اسماعیل گرام مقدم: ایران درباره حق غنی سازی خود مذاکره نمی کند

اسماعیل گرامی فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص برخی مواضع متناقض از سوی ویتکاف در موضوع مذاکرات و غنی سازی هسته ای به این نکته اشاره می کند: «قبل از هر چیز باید به ریشه های تناقضات رخ داده باز گردیم؛ توافقی میان ایران و آمریکا در حال شکل گیری است، همچنان که برجام در داخل و خارج کشور مخالفانی داشت، این توافق هم دچار این موافقت ها و مخالفت ها شده است. البته این رویارویی ها در داخل آمریکا طبیعی است، هر دولتی که در آمریکا بتواند به این مناقشه اساسی و پایدار پایان دهد، کردیت و اعتبار بسیاری را کسب می کند، بنابراین رقبای سیاسی تلاش می کنند کاری کنند تا این اعتبار به نام آنها ثبت شود. البته در کل چهارچوب مذاکرات اولیه هم گامی رو به جلو محسوب می شود. هر اندازه که به سمت توافق پیش برویم این مخالف خوانی ها بیشتر می شود.»

گرامی مقدم می گوید: «در آمریکا بسیاری از افراد و گروه ها علاقه ای به حل مناقشات ایران و آمریکا ندارند، یا اگر هم با مذاکرات موافق باشند، مایلند حزب خودشان این توافق را نهایی کند. در کنار فضای داخل آمریکا، برخی کشورها از جمله روسیه و چین و حتی اروپا به این دلیل که از چرخه گفت وگوها بیرون مانده اند، خوشحال نیستند. در داخل کشور هم افراد و گروه های رادیکالی حضور دارند که از هیچ تهمت و افترايي به مذاکره کنندگان ایرانی فروگذار نیستند. اما شخصاً معتقدم علی رغم همه این مخالفت ها، سرنوشت مذاکرات را دو کشور مذاکره کننده یعنی ایران و آمریکا مشخص می کنند. دو کشور به چانه زنی های لازم برای دسترسی به اهدافشان ادامه می دهند. آمریکایی ها به خوبی می دانند که ایران از حق مسلم فعالیت های صلح آمیز خود دست برنخواهد داشت. این حقی است که همه جهان هم آن را به رسمیت شناخته است. ایران در چهارچوب NPT فعالیت می کند. از این جهت به نظرم هیچگونه مانعی هم در میان نباشد. هر دو طرف برای اینکه به فشارهای فزاینده داخلی فائق آیند تلاش می کنند خود را دارای دست بالا در مذاکرات نشان دهند.»

این فعال سیاسی اصلاح طلب با اشاره به اینکه مهم ترین مساله ایران در این مرحله از مذاکرات این است که دو کشور ایران و آمریکا پشت میز گفت وگوها نشسته اند، می گوید: «احتمال توافق نهایی هم بالاست، اگرچه هر اندازه دستاورد و امتیاز در مذاکرات کسب شود، باز هم مخالفانی وجود خواهند داشت که راضی نبوده و به مخالفت خوانی های خود ادامه می دهند. ایران اما به جذب سرمایه های قابل توجه نیاز دارد. رهبر انقلاب هم سال ۱۴۰۴ را به عنوان سال سرمایه گذاری برای تولید نامگذاری کرده اند. سرمایه گذاری در ایران از سوی کشوری که بالاترین سطح دانش صنعتی، فناوری و... را دارد، راهگشا خواهد بود. از سوی دیگر

امریکا رقابت جدی با چین در بخش‌های مختلف جهان دارد و مایل نیست ایران به سمت روسیه و چین سوق پیدا کند. پیش‌بینی می‌کنم، امریکا نهایتاً به حق ایران برای برخورداری از دانش هسته‌ای گردن نهاده و آن را خواهد پذیرفت.»

گرامی مقدم در پاسخ به پرسش اعتماد در این خصوص که اگر قرار باشد، دو طرف به سمت توافقی سوق پیدا کنند، چه گزاره‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد؟ می‌گوید: «لازمه هر نوع توافقی میان ایران و امریکا این است که دو طرف در مذاکرات جدی باشند. با توجه به داده‌های منتشر شده از دور نخست مذاکرات، این جدیت وجود دارد. از سوی دیگر، دو کشور باید از تهدید و حاشیه‌سازی برای هم دست بردارند. اینکه امریکا مدام تهدید کند ایران باید توافق کند در غیر این صورت گزینه نظامی روی میز می‌آید، اشتباه محض است. هر توافقی نیازمند ضمانت‌های اجرایی است. این ضمانت‌ها تنها در صورتی شکل می‌گیرد که منافع دو کشور تامین شود. میان ایران و امریکا باید پیوندهای اقتصادی عمیقی شکل گیرد.»

او ادامه می‌دهد: «این مناسبات اقتصادی، ضامن اصلی توافق میان دو کشور است. اگر شرکت‌های بزرگ امریکایی در ایران سرمایه‌گذاری کنند، آنها اجازه نمی‌دهند، مخالفان دوباره مذاکرات را به هم بزنند. سرمایه‌گذاری‌ها باید صورت گیرد و از آن حفاظت شود. اگر ایران بپذیرد، غنی‌سازی خود را در محدوده در نظر گرفته شده توسط آژانس انجام دهد و امریکا هم تحریم‌های اقتصادی را بردارد، ضمن اینکه زمینه ورود شرکت‌های امریکایی به حوزه زیرساختی ایران فراهم شود، می‌توان نسبت به دورنمای آینده برای دستیابی به توافق امیدوار بود.»

### ساسان کریمی: باید مراقب روش‌های مذاکراتی خاص امریکا باشیم

ساسان کریمی تحلیلگر مسائل سیاست خارجی از روش خاص مذاکراتی امریکا در مواجهه با ایران سخن می‌گوید. موضوعی که از منظر این تحلیلگر از سوی رسانه‌ها و مسوولان شاید چندان جدی گرفته نشده باشد. کریمی در گفت‌وگو با اعتماد با اشاره به مواضع متناقض اخیر مقامات امریکایی در مواجهه با ایران می‌گوید: «مواضعی که اخیراً در مواضع امریکایی‌ها ایجاد شده به تضاد دیدگاه‌های موجود در کاخ سفید باز می‌گردد. استیو ویتکاف و برخی افراد نزدیک به او طرفدار مماسات بیشتری در خصوص غنی‌سازی ایران و سایر موضوعات مرتبط با ایران هستند، اما در نقطه مقابل تندروهای کاخ سفید تلاش می‌کنند ایده فشار بیشتر به جمهوری اسلامی را دنبال کنند. از سوی دیگر روش‌های مذاکراتی خاص امریکا هم باعث ایجاد مشکلاتی برای ایران شده است. به نظر می‌رسد، در ایران رسانه‌ها و حتی مسوولان از این روش خاص غافل بوده‌اند.»

او در تشریح این روش مذاکراتی می‌گوید: «روش مذاکراتی امریکایی‌ها به این شکل است که با رسوب گرفتن مواضع و اظهارات در جلسه اول، اقتصاد ایران را به شدت به توفیق در مذاکرات و سرانجام مذاکرات شرطی کرده، سپس تلاش می‌کنند در هفته‌های بعدی مذاکرات این انتظارات داخلی را به اهرمی برای پذیرش خواسته‌های طرف مقابل بدل کنند. پس از نشست دور نخست عراقچی - ویتکاف دلار و سکه در ایران با افت قابل توجهی مواجه و بازارهای کشور سبزپوش می‌شوند. در هفته دوم همین

شاخص‌های بهبود یافته به اهرمی برای فشار بیشتر به ایران بدل می‌شود. بنابراین در میانه هفته با تورم خواسته‌های ایالات متحده مواجه می‌شویم.»

به اعتقاد این تحلیلگر «ایران طی این هفته‌ها با دو رقیب مواجه است. یک رقیب امریکا و رقیب دوم، شاخص‌های بهبود یافته اقتصادی و مردم امیدواری است که تداوم مذاکرات را به هر قیمتی طلب می‌کنند. مذاکره‌کننده ایرانی در یک چنین شرایطی باید با دو رقیب و دو نوع انتظار روبه‌رو شده و باید از دل آنها منافع ملی را محقق کند.»

او در بیان چرایی اتخاذ برخی مواضع متناقض از سوی مقامات آمریکایی می‌گوید: «اتفاقی که سه‌شنبه شب رخ داده آن است که نشست سطح بالایی در کاخ سفید درباره ایران تشکیل شده، توییت آقای ویتکاف پس از نشست زده شده و بازخوردهای بسیاری ایجاد کرد. او به موضع‌گیری‌های آقای ترامپ اشاره دارد و می‌گوید این ترامپ است که باید تصمیم اصلی را بگیرد و از مذاکرات راضی باشد. در واقع ویتکاف گفته‌های شفاهی قبلی خود را در خصوص غنی‌سازی را تصحیح کرده است. به نظرم باید توییت سه‌شنبه شب ویتکاف مد نظر قرار گیرد.»

کریمی در پاسخ به این پرسش اعتماد که با این تناقضات در مواضع مقامات آمریکایی آیا می‌توان در کوتاه‌مدت توافقی را متصور شد؟ می‌گوید: «در کوتاه‌مدت نمی‌توان هیچ توافقی را متصور شد. یکی از مشکلات ما این است که پس از آغاز مذاکرات در شبانه قبل، بسیاری منتظر به نتیجه رسیدن مذاکرات در جلسه نخست! و برخی دیگر هم به دنبال توافق در شبانه آینده هستند! ما درباره یک مناقشه قدیمی و ضرورت حل معادلات مستمری صحبت می‌کنیم که طی سال‌ها شکل گرفته است. لذا مساله زمان یک مساله متناقض برای ماست. از یک طرف ترامپ بی‌حوصله و کلی‌نگر است و می‌خواهد زود دستاوردی خلق کند. مساله بعدی تندروها هستند که هر اندازه زمان طولانی‌تر شود، تاثیر بیشتری روی ترامپ می‌گذارند و مساله بعدی موعد اسنپ‌بگ در سه ماهه آینده (آگوست) است. تا این موعد، ما باید به یک درک مشترک بر سر برنامه هسته‌ای مان برسیم. هر اندازه زمان به موعد اسنپ‌بگ نزدیک شود، موضع کشورهای تروپیکای اروپایی به مواضع تندروها نزدیک‌تر می‌شود. چرا که در حال از دست دادن تنها ابزار تاثیر گذار خود هستند.»

این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی معتقد است، «از سوی دیگر رسیدن به یک توافق کلی و تفسیرپذیر نیز برای ایران خطرناک است. یک چنین توافقی در آینده برای ایران مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند.»

اسماعیل گرامی مقدم

همچنان که برجام در داخل و خارج کشور مخالفانی داشت، این توافق هم دچار این موافقت‌ها و مخالفت‌ها شده است. البته این رویارویی‌ها در داخل امریکا طبیعی است.

رقبای سیاسی ترامپ تلاش می‌کنند کاری کنند تا این اعتبار به نام آنها ثبت شود. البته در کل چهارچوب مذاکرات اولیه هم گامی رو به جلو محسوب می‌شود.

دو کشور باید از تهدید و حاشیه‌سازی برای هم دست بردارند. اینکه امریکا مدام تهدید کند ایران باید توافق کند در غیر این صورت گزینه نظامی روی میز می‌آید، اشتباه محض است.

ساسان کریمی

استیو ویتکاف و برخی افراد نزدیک به او طرفدار مداخلات بیشتری در خصوص غنی‌سازی ایران هستند، اما تندروهای کاخ سفید تلاش می‌کنند ایده فشار بیشتر به جمهوری اسلامی را دنبال کنند.

در هفته دوم مذاکرات همین شاخص‌های بهبود یافته به اهرمی برای فشار بیشتر به ایران بدل می‌شود. بنابراین در میانه هفته با تورم خواسته‌های ایالات متحده مواجه می‌شویم.

رسیدن به یک توافق کلی و تفسیرپذیر نیز برای ایران خطرناک است. یک چنین توافقی در آینده برای ایران مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند.